

ارزش دستیابی به انرژی هسته ای

یادداشت علی اکرمی

۱۳۸۵/۱۲/۵

در هفته گذشته دو مقام رسمی اول و دوم حکومت اعلام نظرهایی پیرامون اهمیت استفاده از انرژی هسته ای و دلایل پافشاری جمهوری اسلامی برای اعمال غنی سازی (و نه صرف استفاده از انرژی هسته ای و داشتن نیروگاههای اتمی) داشتند.

مقام رهبری از لزوم دستیابی به انرژی هسته ای به دلیل پیش بینی پایان ذخایر نفت در آینده ای نزدیک سخن گفتند و رئیس دولت نهم نیز سخاوتمندانه اعلام نمود که دستیابی به انرژی هسته ای را با چندین سال پیشرفت کشور برابر می داند.

در حله اول جای خوشوقتی است که پس از سالها مسوولان تلاش نمودند تا برای اصرار و پافشاری بر دستیابی به تکنولوژی انرژی هسته ای توجیهاتی نیز ارائه نمایند و به هر حال با مقایسه ای که آقای احمدی نژاد در مورد توسعه کشور و دستیابی به انرژی هسته ای انجام دادند می توان بر آوردی نسبی از ارزش دستیابی به این نوع از انرژی از منظر حاکمان داشت.

اما ادعای این مقامات از دو منظر قابل بررسی و تعمق بیشتر است و سعی می شود تا در این نوشته به برخی محاسبات ساده فنی و اقتصادی استفاده از انرژی هسته ای فارغ از هزینه های سیاسی آن (که به گمان نویسنده دهها برابر هزینه های اقتصادی آن است) پرداخته شود

الف:

ایران با داشتن حدود ۱۷۲۰۰ میلیون تن ذخایر کشف شده نفتی (بجز ذخایر در حال اکتشاف در دریای خزر و خلیج فارس) در صورت استخراج سالیانه ۲۰۰ میلیون تن نفت حداقل برای ۸۰-۹۰ سال دیگر نفت برای صدور و در صورت استفاده داخلی و در صورت عدم صدور نزدیک به سه برابر این زمان ذخایر نفتی برای استفاده داخلی دارد.

ایران کشوری است که دومین ذخایر گازی دنیا را دارد و در حال حاضر فقط از بخش بسیار کمی از این ذخایر بهره برداری نموده است. از حدود ۲۷۰۰۰ میلیارد مترمکعب ذخایر گازی قطعی ایران سالیانه حدود ۸۵ میلیارد متر مکعب گاز استخراج می شود که با این روند بیش از سه قرن آینده گاز برای صدور وجود خواهد داشت

از ۳۰ فاز برنامه ریزی شده برای میدان گازی پارس جنوبی تاکنون فقط نیمی از آنها اجرایی شده است و برای حدود یک سوم از فازهای آن هنوز حتی مناقصه نیز برگزار نشده است.

و بجز منابع گازی مشترک پارس جنوبی منابع پارس شمالی، فردوس، گلش، سلخ، گورزین و چندین میدان دیگر فقط بخشی از میادین تا امروز کشف شده گازی اختصاصی ایران می باشند. با توجه به اینکه تکنولوژی ساخت نیروگاههای گازی با هزینه حدود یک سوم نیروگاه هم سطح با سوخت هسته ای در ایران وجود دارد به نظر می رسد توجیه نیاز ایران به لزوم دستیابی به انرژی هسته ای به دلیل عدم وجود منابع جایگزین انرژی چندان قابل استناد نباشد و با محاسبه ای ساده بی پایگی فایده دستیابی به انرژی هسته ای در مقابل تعطیلی چند ساله کلیه فعالیتهای دیگر اثبات می شود.

ب- سوالات مهمتر و دیگری که مسوولین عالیرتبه حکومتی باید به آن پاسخ گویند این است که

۱- منابع مالی جهت ساخت نیروگاههایی نظیر نیروگاه اتمی بوشهر از کجا تامین شده است؟ مگر نه این است که هزینه ساخت نیروگاههای اتمی هم از محل فروش نفت تامین می شود؟ با توجه به عدم وجود اورانیوم کافی در ایران برای سوخت چندین نیروگاه هسته ای در صورت شروع به کار نیروگاههای هسته ای سوخت مورد نیاز آنها چگونه و از چه منبع مالی خریداری خواهد شد؟

۲- شاید برای کشورهای اروپایی پایان ذخایر نفتی به معنای پایان دسترسی به نوعی از انرژی و لزوم جایگزینی نوع دیگری از انرژی به جای آن باشد اما برای کشورهای نظیر ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس که بیش از ۸۰٪ از درآمدهایشان به نفت وابسته است پایان ذخایر نفتی به معنای قطع بخش عمده درآمد کشور نیز هست برای جایگزینی این درآمد در روزهایی که بنا به نظر رئیس قوه مجریه سایر فعالیتها نیز قربانی دستیابی به انرژی هسته ای شده باشند مسوولین جمهوری اسلامی چه راهکاری اندیشیده اند؟

۳- آیا مسوولان جمهوری اسلامی بر این باورند که اورانیوم ماده ای پایان ناپذیر است؟ مطابق خوشبینانه ترین پیش بینی ها ذخایر اورانیوم چندین سال زودتر از ذخایر نفت به پایان خواهند رسید و در مورد ایران با توجه به گزارشات آژانس بین المللی انرژی اتمی که طبیعتا با توجه به ارائه گزارشات صادقانه از سوی دولت جمهوری اسلامی میزان ذخایر اورانیوم ایران را اعلام نموده است این ذخایر در صورت راه اندازی سه نیروگاه همسطح نیروگاه اتمی بوشهر فقط ربع قرن دوام خواهند داشت.

۴- مهمترین سوالی که مسوولان باید به آن پاسخ گویند این است که اگر توانایی حل بحران وابستگی درآمد کشور به نفت در دوره پایان ذخایر نفتی را دارند چرا از هم اکنون با اتخاذ همین راهکار تلاش نمی کنند بجای ساخت نیروگاههای هسته ای و ورود به مناقشات بی پایان مرتبط با آن با قطع صدور نفت به یکباره دوام این ذخایر برای استفاده داخلی تا سه قرن آینده را تضمین نمایند؟